

## ۲۱ - مقامات چهارگانه توحید و بیان عبادت حقیقی

از حضرت نقطه در صحیفه اصول و فروع است. قوله الاعلی: "هرکس بحقیقت توحید نماید عمل بمقامات توحید نموده و اکثر خلق در مقام توحید عبادت مشرک و در مقام توحید فعل کافر گشته‌اند من حیث لا یعقلون بدانکه ذات وحده لا شریک له مستحقّ عبادت است لا غیر او و هر که عبادت نماید ذات او را باو بدون توجه بشیئی بخلق او و بدون تمنّا از برای جزاء غیر او بتحقیق که عبادت کرده است خداوند را بشأنی که در حقّ امکان ممکن است و باید یقین نماید که ذات بذاته لن یوصف و لن یعرف و لن یعبد بوده و هست و عبادت احدی لایق ساحت عزّ او نیست و این مقام غایت عطیه الهی است بعدد که هرگاه وارد شود کلّ را در ظلّ فضل او مشاهده نماید و هرگاه کسی باوصفی یا احدی از آل الله سلام الله علیهم در مقام عبادت توجّه نماید کافر گشته و عبادت نکرده خدای را و هرگاه کسی بطمع رضوان یا خوف از نیران عبادت کند او را یا بخواند او را هر آینه محبوب از عبادت خداوندی شده و لایق ذات او نیست بل سبیل عبادت این است که او را عبادت نماید بوصفی که خود نفس خود را فرموده بلا ذکر شیئی سواه و هرگاه حکم محکم از برای عابدین بنار جهنّم فرموده بود حقّ بود بر عابد که او را باستحقاق ذات عبادت نماید و راضی بنار شود و حال آنکه حکم خلاف این امر است و رضوان اوّل عطیه است از جانب معبود از برای مومن خالص و سبحان الله عما یشرکون ... بر کلّ فرض است اقرار بتوحید ذات و صفات و افعال و عبادات."

## \*\*\*\*\*حاشیه\*\*\*\*\*

هیكل التوحید ای صورته التي استقر عینه فیها لتمامها و کمالها لها حدود منها ما ذکر فی حدود الایمان و منها الاخلاص فی تفرید الذات و تجرید الصفات و توحید الافعال و قطع الجهات فی العبادة و هذا جملة حدود التوحید لانه من جهت اصول حدوده الکلیة له اربعة حدود الاول و قال الله لا تتخذوا الهین اثنین انما هو اله واحد و الثانی لیس کمثله شیئی و الثالث هذا خلق الله فارونی ماذا خلق الذین من دونه و الرابع فمن کان یرجو لقا ربّه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرک بعباده ربّه احدا و اما فروع حدوده فلیس فی الوجود مما فی الوجدان و العیان و لا فی الغیب و الفقدان شیئی یری قبل الله او بدون الله قال امیرالمؤمنین علیه السلام ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله او معه لیس او للتقسیم بان یکون ما یراه قسمین احدهما یری الله قبله و الاخر یری الله معه و لا للتردید بان یکون ما یراه مترددا بین الحالین بل المراد شیئان کلّ مراد احدهما ان یکون المعنی ما رایت شیئا الا و اری الله قبله و معه و یلزم هذا فی حکم المنطوق و معه و بعده ای یری الله قبل الشیئی و مع الشیئی و بعده و ثانیها انه علیه السلام له حالتان حاله المقامات و فی هذا الحاله کلّ شیئی یری الله قبله ای لا یری الا الله تعالی و حاله الامام علیه

السلام و في هذه الحالة كَلَّشِيئِي يرى الله معه فاو في الوجه الثاني للتقسيم لحال الرأى فانه حالتان. و اذا كان اتباع الغير و الانقياد اليه عبادة له فاكثر الخلق عند التحقيق مقيمون على عباده اهواء نفوسهم الخسيسة الدنية و شهواتهم الهيمية و السبعية على كثره انواعها و اختلاف اجناسها و هي اصنامهم التي هم علمها عاكفون و الانداد التي هم لها من دون الله عابدون و هذا هو الشرك الخفى نسأل الله سبحانه ان يعصمنا عنه و يطهر نفوسنا منه بمنه و كرمه و ما احسن ما قالت رابعة العدوية رضى الله عنها لك الف معبود مطاع امره دون الآله و تدعى التوحيداً " **اربعين شيخ بهائى** "

نقل الامام الرازى فى التفسير الكبير اتفاق المتكلمين على ان من عبد الله و دعا لاجل الخوف عن العقاب او الطمع فى الثواب لم يصح عبادته و دعاوه ذكر ذلك عند قوله تعالى ادعوا ربكم تضرعا و خفيه و جزم فى اوائل تفسير الفاتحة بانه لو قصد اصلى لثوابه او لهرب من عقابه فسنت صلته . " **كشكول شيخ بهائى** "